

## سواد فرمان

### شاه سلطان محمد خدا بنده بن شاه طهماسب صفوی

در تفویض مقام شیخ الاسلامی و قاضی القضااتی و تولیت جمیع موقوفات خالی از متولی در کل خراسان خصوصا مشهد مقدس به خواجه افضل الدین محمد بن حبیب الله اصفهانی معروف به ترکه متوفی ۹۹۱ ه. ق. که در اواخر جمادی الاولی توشقان ٹیل ۹۸۷ صادر شده است، منقول از سفینه شماره ۲۲۲۳ کتابخانه مجلس شورای ملی (ص ۳۵۱ - ۳۵۴) بدون تاریخ (در حدود نیمه دوم قرن یازدهم).

پیش از نقل فرمان بذکر احوال خواجه میپردازیم. شیخ ابوالقاسم قاسمی کازرونی که خود از شاگردان وی است در مرقوم پنجم از کتاب سلم السموات (ص ۷) ترجمه او را چنین آورده است:

«افضل الدین محمد ترکه پسر حبیب الله ترکه اند آبا و اجداد ایشان اکثر از فضلا و اعیان اصفهان بوده اند، و سلاطین و حکام زمان بسیار اعزاز و احترام ایشان نموده اند. الا آنکه شاهرخ بن امیر تیمور بقتل جد ایشان فتوی داده، و این شناخت بروی مبارک نیفتاده، و در همان زودی وفات نموده. و حضرت خواجه از سنه سبعین و تسعمائه الی تسعین در بلاد عراق و خراسان مرجع اکابر و اعیان بودند، و در مناظرات علمی بر علمای زمان تفوق می نمودند، این ضعیف قریب هجده ماه در بلده قزوین شاگردی ایشان نموده، و پیوسته باین نسبت مباحث کرده. از آثار و منشآت ایشانست که در خطاب بیکی از جوانان عراق گفته اند:

رباعی

هر گاه که غیر، جستجوی تو گرفت  
دود دل من دامن کوی تو گرفت

ز اندیشه بلهوس دلم فارغ شد  
اکنون که بنفشه گرد روی تو گرفت

اسکندر بیگ منشی در تاریخ عالم آرای عباسی (ج ۱ ص ۱۵۵) در ذکر مشایخ کرام و علماء اعلام زمان شاه طهماسب صفوی مینویسد :

«خواجه افضل الدین ترکه محمد نام است، از نژاد قضات ترکه دارالسلطنه اصفهان بود، در اوائل حال با کتساب علوم عقلیه و نقلیه پرداخته ترقی فاحش کرد، و از اصفهان باردوی سعادت نشان رفته منظور نظر شفقت شاه جنت‌مکان گردید، بعضی اوقات بشراکت میرعلاء الملک مرعشی منصب قضای عسکر ظفر اثر یافت، و در اردوی معلی بامر تدریس پرداخته در مدرس او جمعی تلامذه بمباحثات و افادات او فیض یاب بودند، در زمان اسمعیل میرزا ( : شاه اسمعیل ثانی) برخلاف سایر علما بدستور معزز و محترم و اکثر اوقات از زمره مجلسیان بود، بعد از فوت اسمعیل میرزا ( : ۹۸۵) به اصفهان رفته، بامر قضا که همیشه در سلسله ترکه بود قیام داشت، و بجهت ناهمواری حکام و اتراک دامن از شغل درجیده منصب تدریس و خادمی روضه مقدسه رضویه یافته در مشهد مقدس معلی بدان شغل شگرف پرداخت .

در سال قوی‌ئیل مطابق سنه ۹۹۱ که نواب سکندرشان (سلطان محمد خدابنده) و شاهزاده عالمیان سلطان حمزه میرزا از یورش خراسان عود نمودند، در موکب همایون از مشهد مقدس به عراق آمده در ولایت ری از مطالعه صحیفه حیات دیده پوشیده بعالم بقا پیوست .



از تالیفات اوست رساله انموذج العلوم که در طوس برای شاگردان خود در حل مسائل دشوار نوشته، و در آن از شبهه جذراصم که بشکل (کل کلامی کاذب) درآمده است پاسخ گفته .  
 رک: فهرست مشکوة، ج ۳ ص ۴۶ .



متأسفانه نسخه دیگری ازین فرمان نیافتم تا پس از مقابله و با اطمینان خاطر بنامه آستان قدس تقدیم کنم .

بهمین جهت طغرای فرمان را که در نقل کاتب احتمال سقط يك کلمه داده میشد عینا کپیہ کردم تا کلیشه آن بنظر خوانندگان برسد .

عبارت طغرا اینست: «یا محمد یا علی ، الحکم لله، محمد [بن] ابوالمظفر سلطان طهماسب بهادر، سیوز و میز» .

همچنین يك کلمه ناخوانا در سواد فرمان بنظر رسید، که چون ممکن بود علامتی خاص باشد، آن کلمه نیز عینا کپیہ و کلیشه شد، تا ان شاء الله فضلالی خراسان در حل آن بما کمک کنند.



بالشرع و به كانوا يامرون ، خصوصا بر حلال دقایق مسایل و کشف حقایق دلایل ، مخصوص مرتبه عم يتساءلون عن النبء العظیم . منصوص کرامت و انه في ام الكتاب لدينا لعلى حكيم ، امامی که حجت امامتش بسجل اقضا کم علی مسجل گشته حاکی که مرافعه بازو کبوتر ازو بیفصل رسیده .

آن حاکم کشور کفایت                      فرمان ده فتوی ولایت  
دارنده حجت الهی                              داننده راز صبحگاهی

و علی باقی الائمة الاجلة المعصومین حفظة الشرع المبین و حماة الدین المستبین .

و بعد چون حضرت خالق بیجون و مبدع بی منازع اذاقضی امر افانما یقول له کن فیکون که مدلول کریمه و من احسن من الله حکما ثبت جریده کبریا و جلال اوست. نشان ولایت انا جعلناک للناس اماما بكلک عنایت ازلی بنام نامی همایون ما مرقوم ساخته . و منشور حکومت انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق، بخامه ارادت لم یزلی باسم سامی نواب گردون جناب ما محرر گردانیده . بحمدالله تعالی دعاوی مالکیت رقاب عالمیان ، ودواعی وراثت و استحقاق ملک جهانرا در دارالقضاء عدل ساعة خیر من عبادة ستین سنه ترد قاضی نافذالحکم و الله یقضی بالحق بوثیقه بینه بالعدل قامت الملك . و شاهدین عدلین التعظیم لامرالله و الشفقة علی خلق الله ثابت و محقق گردانیده ایم . لاجرم بمقتضی لئن شکرتم لازید نکم بشکرانه نیل این موهبت و توفیق این سعادت. اثناء معالم ان الله یامر بالعدل والاحسان . و احیاء مراسم الملك و الدین توامان را شعار بخت بلند و عادت رای ارجمند نموده ثبات دعایم سلطنت و جهانداری. و قوام قوایم خلافت و کامکاری را مبتنی برتاسیس مبانی ان الدین عندالله الاسلام. و تمهید قواعد شرایع حضرت سیدالانام علیه وآله افضل التحیة و اکمل السلام میدانیم .

مرادم ز شاهی و فرماندهی                      ز تخت بلندی و تاج مهی  
مراعات خلق است و تعظیم شرع                      همین اصلدانم، جز این جمله فرع

**واحد** (۱) حصول این مقصد اقصی و وصول برین مطلب اعلی منوطست بوجودحافظان ممالک ملت و حارسان مسالک شریعت که بتائید فله الحجة البالغة کسوت اعزاز شان بطراز انما یخشی الله من عباده العلماء مطرز و تشریف احوالشان بزینت العلماء ورثة الانبیاء مشرف و مغرز بوده. در مضمار من یردالله بهخیرا یفقهه فی الدین رایت و آتیناه حکما و علما افراخته باشند ،

خصوصاً زمره‌یی که با جامعیت کمالات علیه علمیه و جاز میت علوم عقلیه و نقلیه بکمال تقید و امانت موصوف، و غایت دیانت و حقانیت مشهور و معروف بوده. در فیصل معاملات و جمیع مهمات تتبع مرضی بل الله هومولیکم و تمسک بحبل‌المتین ان اکرمکم عندالله اتقیکم را ملتزم باشند . مقصود از تمهید این مقالات و توطید این مقدمات آنکه افادت و افاضت پناه، شرایع و معالی دستگاه، علامه‌العلمایی، فهامة‌الفقهای، افاضی‌القضاتی، اولی‌الولائی، فریدالدهر، و وحیدالعصر خواجه افضل‌الحق و الحقیقه و الدین محمدالترکه که بطریق اسلاف اشراف خود از اعظم علماء اعلام و اکابر حکماء ایام است. با آن صفات ستوده در جاده دینداری، و منهج پرهیزکاری بر حسب تفضل بعضک علی بعض بر اکثر افاضل دوران، بل قاطبه ابناء زمان سمت تفوق و رجحان دارد، و در زمان اعلیحضرت خاقان جمجاه جنت‌مکان علیین آشیان که همواره منظور نظر عنایت بی‌غایت آن اعلیحضرت بوده و بجلال مناصب رفیعه‌المراتب از قضا و قاضی‌القضاتی و افتاء معسکر ظفر اثر و ممالک محروسه و وکالت و نیابت جمیع مهمات و معاملات شرعیه سرکار خاصه شریفه شرف اختصاص داشته. بروجهی بآن قیام نموده، که ضرب‌المثل و دستورالعمل سالکان منهای دین و ملت گشته و دقیقه‌یی از دقایق شرعی معطل و نامرعی نمانده و اجتهاد جمیل او در انتظام رسوم شریعت نبویه و اهتمام بلیغ او در استحکام مبانی مذهب حق امامیه اشهر من ان یحیی و اکثر من ان یحیی است .

درین‌ولا که پرتو توجه شاهانه بنظم و نسق شرعیات و رواج و رونق ملیات ممالک خراسان عموماً و مشهد مقس معلی مزکی و توابع و بلوکات خصوصاً افکنندیم، شریعت و افادت پناه مشارالیه را که در تجدید بنیان شرع قویم و تشیید ارکان صراط مستقیم، بحکم یشبت الله الذین آمنو بالقول الثابت، ثابت قدم و راسخ دم‌یافته، لمعه‌یی از شفقت بیضا خصال شاهی، و رشحه‌یی از عنایت شامله دریا مثال پادشاهی، شامل حال او فرمود، منصب عظیم‌الشان و مرتبه جلیل‌القدر منیع‌المراتب شیخ‌الاسلامی و قاضی‌القضاتی و قبض و بسط تمام مهام شرعیه و حل و عقد کل‌امور حسیه آن محال و ولایات را من حیث‌الاستقلال و الانفراد بدو تفویض فرمودیم، که چنانچه از رشاد و وسداد او متصورست، بحکومت شرعیات، و ترویج و تسبیح ملیات، و اجراء احکام شریعت غرا و انفاذ اوامر و نواهی ملت بیضاء و رفع تسلط ظلمه از مظلومان، و قطع ایادی متغلبه از وجوه بر و امر بمعروف و نهی از منکر و ابداء خلائق براه حق و صواب، و اشاعه رسوم خیر و ثواب، و رفع بدع و فسوق، و دفع تعدی و ستم از عجزه و مساکین، و احقاق حق و حقوق مسلمین، و فیصل منازعات و پرسش مرافعات، و قسمت مواریث و ترکات، و ایقاع عقود و مناکحات، و کثیت صکوک و سجلات و الزام مردم بطاعات و عبادات، و اقامت صلوات و اداء اخماس و زکوات، و دانستن و یادگرفتن

واجبات و تعمیر مساجد و مدارس و بقاع الخیر، و قلمع و قمع بنیان جور و عدوان، و زجر و منع اصحاب لهو و لعب و عصیان، و ضبط اموال ایتام و غیب و سفها و مجانین و بیت المال، و عزل و نصب متصدیان جزو امور شرعیه از قضاة و موالی و خطبا و پیشنمازان و محتسبان و متولیان و معرفان و غیر هم، و سایر آنچه از لوازم مناصب علیه مزبوره است اشتغال نماید، و مؤدای یحق الحق و یبطل الباطل را در هر باب مطمح نظر فرخنده اثر داشته، در تنفیذ حکم شرع اطهر از هیچ فردی از افراد ملاحظه و محابا، و با هیچ احدی از آحاد مساهله و مدارا ننماید، که نواب کامیاب همایون مابنفس انفس اقدس، مؤید و مقوی آن اقصی القضاة فی الایام خواهیم بود .

و چون بمسامع عز و جلال رسیده که مهمات اوقاف مملکت مذکور مختل، و اکثر بقاع موقوف علیها بی رواج و معطل است، و حاصل و منافع وقفی کما ینبغی بمصرف و جوب نمیرسد، بنا بر کمال اعتماد شاهانه بر رشد و دینداری آن افادت مرتبت، تولیت جمیع موقوفات خالی از متولی شرعی را با نظارت موقوفاتی که متولی شرعی داشته باشد. بلامشارکت گیری بدو تفویض و مرجوع نمودیم، که بواجبی بحقیقت آنها در کل خراسان خصوصا مشهد مقدس باز رسیده، نوعی نماید که یکدینار و یکمن بار بغیر مصرف شرعی صرف نشود، و جمیع مساجد و مدارس و بقاع آن محال بحلیه آبادانی و رواج و رونق متحلی گشته، مساعی حبیله آن حقانیت دستگاه بمنصه ظهور رسد .

سادات با سعادات، و ثقباء عالی درجات، و علماء ذوی البرکات، و امراء عظام، و حکام کرام، و وزراء رفیع مقام، و اکابر و اعیان، و ارباب و کلانتران، و صواحب و کخدایان، و جمهور مقیمان و عموم متوطنان ممالک مذکوره حسب المسطور مقرر دانسته، دست تصدی و تکفل آن شیخ الاسلامی را در امور مزبوره قوی و مطلق دارند، و آن افاضت منقبت را پیشوا و مقدم جمعی که بخدمت شرع شریف اشتغال دارند شناخته، اوامر و نواهی او را که بلاشک موافق حکم شریعت مقدر خواهد بود. مطیع و منقاد باشند، و مطلقا از آن تجاوز ننمایند، و دقیقه بی از دقائق تعظیم و اکرام، و قاعده بی از قواعد بتبجیل و احترام فرو نگذارند، و معزول او را منصوب و منصوب او را معزول ندانند، و او را من کل الوجوه معتمد علیه و مشمول عواطف بی غایت همایون ما دانسته، مراعات آداب حسن سلوک باتم وجهی نسبت بمومی اله و منسوبان او بجای آورند، و نایبان او را تعظیما للشرع الاقدس بمجالس خود نطلبند، و هر کس را از امرا و اعظام و اشراف و اعیان عساکر نصرت مآثر بجهت مهم شرعی بمجلس خود طلب نماید، بالاتعلل حاضر شده ترمذ نوزند، مزارعان و مستاجران و متصرفان رقبات وقفی مذکوره خصوصا مشهد معلی از مسجد جامع و مدرسه شاهرخیه و باربریه و دارالشفاء و سایر بقاع و خواتق، اصلا و مطلقا بخود سر، بی خط و برای مشارالیه چیزی بکسی ندهد

و حاصل و منافع اوقافی را که متولی شرعی نداشته باشد، بالتام و الکمال از قرار واقع، و اصل مشارالیه و گماشته او نمایند. که بموجب شرع شریف و شرط واقف صرف نماید، و آنچه متولی شرعی دارد، باستصواب آن والی و لات الاسلام ورقم او بمتولی دهند. که بوقوف و اطلاع آن شریعت پناه بمصارف شرعیه برساند .

ایالت پناه، حکومت و شوکت دستگاه ، عمده الامر اعظام، کمال الایاله و الاجلال ، مرتضی قلیخان پرنایک حاکم مشهد معلی بهرجه و اجرة المثل و وجوه و قفی جمیع موقوفات آنجا را که بزراعت هر کس از ترک و تاجیک مقرر باشد، یا هر کس متصرف باشد، از محل خود مستخلص ساخته بافاضت و معالی پناه مشارالیه رساند، که آنچه مقتضای شریعت شریفه باشد بعمل آورده، و بهیچوجه من الوجوه تمکین تخلف و امتناع هیچ آفریده کاینا من کان ندهد .

از جوانب برین جمله روند، و هر ساله درین ابواب حکم و نشان مجدد طلب ندارند، و اگر احدی در باب مهمی از مهمات مذکوره حکم تغییر بگذرانند، مادام که مصرح باسم آن زبده اعظام العلماء نباشد معتبر ندانسته، بسند نقیض سابق و لاحق مستند نگرداند، در عهده دانند و چون بتوقیع رفیع اشرف عالی مزین و موشح و مشرف و محلی گردد اعتماد نمایند .

کتب بالامر العالی الاعلی اعلاء الله تعالی و خلد نفاذه و لازال مطاعاً منیعاً فی اواخر شهر جمادی الاولی توشقان بیل سبع و ثمانین و تسعمائه، رب اخیتم بالخیر و السعادة و الاقبال بدار السلطنه جعفر آباد .

### نشان شیعه

كَلَيْبُ الصِّدَاوِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ تَوَاصَلُوا وَ تَبَارُوا  
وَ تَرَاحَمُوا وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً كَمَا أَمَرَ كُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ

(کافی باب التراحم)

پیوند خویشاوندی را رعایت کنید، بیکدیگر احسان و نیکی کنید، بهم مهربان باشید. نسبت بهم برادران نیک کردار و نیکو گفتار باشید، چنانکه خداوند عز و جل بشما امر فرمود .

(جعفر بن محمد الصادق)